

بررسی نقش هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی در بین جوانان شهر اصفهان

نسرین پنجه‌پور، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان*

سیدحسن شیخ، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

ثریا معمار، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

چکیده

با توجه به نقش تأثیرگذار دین در شکل بخشیدن به نگرش‌ها، گرایش‌ها و معنابخشی به رفتارهای اجتماعی، پژوهش حاضر درصدد است تا اثر هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی در بین جوانان شهر اصفهان را مورد بررسی قرار دهد. دیدگاه‌های نظری متعددی در باب نقش دین در جامعه وجود دارد. دورکیم و مارکس دین را ابزار قدرتمندان و موجب تخریب و تخدیر جامعه دانسته‌اند ولی وبر دین را منشأ بروز تغییرات اجتماعی می‌داند. این پژوهش با روش پیمایشی از طریق توزیع ۳۴۳ پرسشنامه در شش منطقه از مناطق ۱۴ گانه شهرداری شهر اصفهان که با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند، صورت گرفته است. حجم نمونه با نرم‌افزار spss sample power محاسبه شد و به منظور آزمون فرضیات از مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos استفاده گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هویت دینی جوانان در سه بعد عاطفی، اعتقادی و پیامدی با ابعاد شناختی، احساسی و عملکردی حفظ میراث فرهنگی ارتباط مستقیم و معناداری دارد و هویت دینی، ۱۵٪ از تغییرات در حفظ میراث فرهنگی را تبیین می‌کند. همچنین از بین متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات پاسخگویان بر حفاظت از میراث اثر مثبت و معنادار داشته است. شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد مدل، برازش قابل قبولی دارد.

کلید واژه‌ها: میراث فرهنگی، هویت دینی، هویت ملی

مقدمه و طرح مسأله

هویت از جمله مفاهیم کلیدی علوم انسانی است که در سال‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه محققان قرار گرفته است. هویت به معنای چیستی و کیستی است که در جریان تعامل با اجتماع، حس تعلق به جمع یا گروه اجتماعی را پدید می‌آورد. هویت دینی به دلیل ماهیت و محتوای گسترده و عمیق خود مهم‌ترین بعد هویت است که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در سایر ابعاد هویتی افراد یک جامعه بازی می‌کند؛ تقویت این بعد از هویت می‌تواند موجب دوام و قوام سایر ابعاد گردد. به همین خاطر است که جامعه‌شناسان، صرف‌نظر از موضع‌گیری مثبت یا منفی نسبت به دین و منشأ الهی آن، همواره نسبت به نقش دین در هستی اجتماعی تأکید داشته‌اند. هویت دینی در فرد عبارت است از «میزان نقشی که فرد در باز تولید نهاد دین در جامعه ایفا می‌کند و میزان اهمیتی که فرد در شیوه زندگی انتخابی خود به انگاره‌های تعاملی دینی می‌دهد» (کیدنز، ۱۳۷۸).

بعد دیگر هویت، هویت ملی است که از طریق میراث فرهنگی بازتاب مادی می‌یابد. میراث فرهنگی کلیه آثار طبیعی و انسان ساخت یک سکونت‌گاه انسانی است که راه و رسم زندگی، ارزش‌ها و باورهای پیشینیان را نمایش می‌دهد و از این طریق ارتباط حال و گذشته حفظ می‌شود. میراث فرهنگی به مثابه شناسنامه و پیشینه فرهنگی یک ملت است.

گرایش‌های مذهبی در ایران سابقه طولانی دارد و در طول زمان چنان با ویژگی‌ها و ارزش‌های ملی آمیخته و عجین شده که جدا کردن آن از سنت‌ها و باورهای ملی ایرانیان سخت یا غیرممکن است. اسلام دستگاه فکری و رفتاری موجهی را به جامعه ایران عرضه کرد که بر همه شئون زندگی آنان تأثیر گذاشت. به عنوان نمونه بناهای تاریخی موجود، نمود تلفیق عناصر دین با فرهنگ ایرانی هستند. این آثار نشانه ارتباط تنگاتنگ هویت دینی و هویت ملی با یکدیگرند.

از طرف دیگر شهر اصفهان مانند سایر شهرهای تاریخی با تضاد میان هویت تاریخی و الزامات عصر صنعتی و پسا

صنعتی روبرو شده و رشد فزاینده جهانی شدن و توسعه ارتباطات به تشدید آن دامن زده است. توسعه جدید شهری در مواردی در تضاد با هویت شهری قرار گرفته که نابودی آثار باستانی شهر اصفهان را به همراه داشته است (کامروا ۱۳۸۸). علاوه بر این رهبران مذهبی کمتر بر ضرورت حفظ میراث فرهنگی به منزله یک رسالت اجتماعی و دینی و نقش میراث در تنوع بخشی به منابع اقتصادی و پویاسازی صنعت گردشگری تأکید کرده‌اند. به همین سبب عامه مردم نه تنها به شناخت و محافظت از مکان‌های تاریخی و مذهبی و حمایت مادی و معنوی از این آثار توجه چندانی ندارند بلکه نسبت به آسیب، تخریب و حتی نابودی این گنجینه‌های ملی و مذهبی نیز واکنش جدی نشان نمی‌دهند.

مسأله پژوهش حاضر این است که گاه توسعه نه تنها بر شرایط روحی و باوری مردم تأثیر منفی می‌گذارد بلکه آنها را نادیده می‌انگارد. اگرچه مظاهر کالبدی شهر هویدا بوده و تخریب یا بهبود آن به آسانی مشاهده می‌شود، دقیقاً مشخص نیست مردم چه احساسی نسبت به وضع موجود در ارتباط با بناهای تاریخی شهر خود داشته، میزان آگاهی آنان به میراث فرهنگی چقدر است و تا چه حد حاضرند برای حفظ آثار باستانی شهر خود سرمایه‌گذاری انسانی و اقتصادی نمایند. در حالی که محققان به ارتباط میان باورهای مذهبی به عنوان بخش مهمی از باورها و ارزش‌های زندگی افراد با هویت ملی و مظاهر مادی آن یعنی میراث فرهنگی اشاره کرده‌اند، هنوز خلا یک چارچوب مفهومی که این ارتباط را تبیین کند، حس می‌شود. بنابراین سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از:

- چه ارتباطی میان هویت دینی با حفاظت از میراث فرهنگی برقرار است؟ آیا با افزایش میزان هویت دینی، میزان گرایش به حفظ میراث فرهنگی در بین جوانان افزایش می‌یابد؟
- بر مبنای این ارتباط، در شهر اصفهان چگونه می‌توان از طریق تقویت هویت دینی، حفظ میراث فرهنگی را بهبود بخشید؟

فرهنگی) در ارتباط با خانواده چنین نتیجه گرفته‌اند که هویت دینی و ملی جوانان با پایبندی والدین و عملکرد آموزشی و همچنین رابطه صمیمی آنان با فرزندان ارتباط معناداری دارد.

نتایج تحقیق پیرامون «هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران» نشان می‌دهد سطح هویت جمعی در ایران بسیار نازل، کوچک و خاص‌گرایانه بوده و هویت جمعی عام در سطح کشور یعنی هویت ملی- مذهبی بسیار ضعیف است (عبداللهی، ۱۳۷۴). تحلیل یافته‌های پیمایش ملی از ۱۳۵۵-۱۳۸۸ نشان می‌دهد در جامعه ایران مردم از مناسک جمعی که بیشتر تحت کنترل نهادهای سیاسی و سازمانی قرار دارند، فاصله گرفته، بیشتر به سمت اعمال دینی فردی یا اعمالی می‌روند که کمتر با سیاست در ارتباط است (طالبان و رفیعی بهابادی، ۱۳۸۹). با تحلیل داده‌های ثانویه در سه دهه گذشته فرجی و کاظمی (۱۳۸۸) در پژوهشی دیگر چنین نتیجه گرفته‌اند که رفتارهای فردی و دینی، روندی با ثبات یا نسبتاً صعودی داشته اما برخی از مناسک جمعی روندی نزولی داشته است. در واقع ارزش دین در جامعه کم نشده بلکه شکل و نحوه بروز آن تغییر کرده است.

آنچه بر پیچیدگی هویت دینی به خصوص در دوره جوانی می‌افزاید، ویژگی‌های دوران جدید است. بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت دینی جوانان شهر شیراز نشان می‌دهد به علت تعدد منابع تفسیری دنیای مدرن میزان هویت دینی جوانان کمتر شده و جوانان درباره کارایی دین در عرصه‌های عمومی در حال داوری هستند (ایمان‌پور و سروش، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر جوان در دوران حاضر رابطه دین را با سایر ابعاد هویتی از جمله ملیت می‌سنجد و در پی ارزش‌گذاری جدید و تعریف مجدد آن است.

بخش دیگری از تحقیقات اشاره به حفاظت از میراث فرهنگی دارند. مهدی‌زاده (۱۳۸۴) در پژوهشی جایگاه میراث فرهنگی در توسعه پایدار شهری و تضاد و دوگانگی ساختاری شهرهای قدیمی در دوران معاصر را مورد مذاقه قرار داده، به بازاندیشی مفهوم میراث فرهنگی به عنوان عنصر هویت

این تحقیق بر آن است که با ترسیم یک چارچوب نظری و ارزیابی آن در شهر اصفهان، راه را برای استفاده از استعدادها بالقوه‌ای چون دین، نیروی انسانی جوان و سرشار از خلاقیت و سازندگی هموار سازد و زمینه مشارکت آنان را در حفظ میراث فرهنگی و کاستن از ابعاد بحران موجود فراهم نماید. با توجه به شکل‌گیری شخصیت در دوره نوجوانی، جوانان در دوره‌ای به سر می‌برند که پایه و اساس تعهد تعمیم یافته و احساس تعلق عاطفی به جامعه به معنای اعم و میراث فرهنگی به معنای اخص است. اگر در این سنین جوان روند جامعه‌پذیری را به درستی طی کرده و ارزش‌ها و هنجارهای دینی و ملی خود را درونی نماید، بستر مشارکت وی در متن زندگی اجتماعی فراهم شده و می‌توان از این پتانسیل در حفظ میراث فرهنگی بهره برد.

نوشتار حاضر در ابتدا هویت و بعد مذهبی آن را از دیدگاه جامعه‌شناسان واکاوی نموده، سپس به بحث میراث فرهنگی و رابطه آن با هویت دینی جوانان به طور خلاصه اشاره کرده است. بر اساس متغیرهای پژوهش پرسشنامه تنظیم و پیمایش انجام شده است. پس از آن داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری تحلیل گردیده است.

مروری بر مطالعات انجام شده

در ایران تحقیقات متعددی در زمینه هویت دینی و ابعاد آن انجام گرفته است که نشان‌دهنده نقش و کارکرد هویت دینی در زندگی اجتماعی است. به منظور بررسی رابطه هویت دینی با سرمایه اجتماعی، گنجی در پژوهش خود (۱۳۸۹) هویت دینی را در سه بعد دینداری، تعلق و تعهدی در کاشان بررسی کرده است و چنین نتیجه گرفته است که با افزایش هویت دینی، سرمایه اجتماعی نیز ارتقا می‌یابد. در این پژوهش ارتباط هویت دینی با گروه‌های اجتماعی همچون جوانان و نوجوانان نیز بررسی شده است. سفیری و غفوری (۱۳۸۸) با سنجش ابعاد هویت دینی (احساس، باور و اعتقاد، با ابعاد هویت ملی شامل بعد سرزمینی، سیاسی، تاریخی و

شهرهای اروپایی (Bizzarro, 1996) و به ویژه در انگلستان (Pendlebury, 2004) نیز مشاهده کرد.

مشارکت مردم و ایجاد باورهای مثبت نسبت به میراث فرهنگی علاوه بر حفاظت از آن برگردشگری نیز تأثیر مثبت دارد. به همین سبب برخی پژوهشگران ارتباط میان رفتارها و باورهای مردمی نسبت به میراث را بررسی کرده‌اند. به عنوان نمونه سنجش ارتباط بین هویت دینی و گردشگری در بین مسلمانان و مسیحیان شهر نظره^۱ نشان می‌دهد حمایت و احساس مردم نسبت به میراث یکی از عوامل تعیین‌کننده در توسعه گردشگری در این منطقه است (Uriely, 2003).

وجود یک هویت سازمان یافته بر تداوم فعالیت‌ها به ویژه در مواقع بحران تأثیر مثبت دارد. برای نمایش این تأثیر، پیک^۲ ظهور دین را به عنوان مهم‌ترین منبع هویت دینی و اجتماعی در نسل دوم مسلمانان آمریکایی بررسی کرده است. اطلاعاتی که از طریق مصاحبه، مشاهده و بحث گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های نیویورک و کلرادو به دست آمده نشان می‌دهد که هویت دینی در جامعه یک ماهیت متغیر دارد. به گونه‌ای که در طی بحران افراد دیندار به مفهوم هویت دینی بیشتر نزدیک می‌شوند. با ابراز برتری هویت دینی بر دیگر گونه‌های هویت اجتماعی، دین به عنوان پایگاه اجتماعی قوی برای حفظ هویت فردی و جمعی در میان مسلمانان جوان شناخته می‌شود (Peek, 2005).

پیکارد و وود در بررسی عوامل حفظ و تقویت گردشگری فرهنگی در بالی اندونزی به این نتیجه رسیده‌اند که بهتر است هویت قومی خود را تقویت کنند. یکی از مؤلفه‌های هویت قومی در بالی، مذهب است. مردم در گذشته نگران این بودند که گردشگری محیط فرهنگی جامعه را خراب کند اما امروزه علمای قوم اعلام کرده‌اند که مذهب، سنت‌ها و رسوم و فرهنگ سه جز جدایی‌ناپذیر هویت بالی

جمعی پرداخته است و حفاظت از میراث فرهنگی را در دو بخش پویا و ایستا مطرح می‌سازد. وی معتقد است حفاظت فعال و پویا از میراث فرهنگی مستلزم ایجاد پیوند میان میراث گذشته با زندگی امروز و ارتقای پاسخگویی به نیازهای امروزی جوامع انسانی است.

مرور نظریه‌های مرتبط با مرمت و حفاظت از میراث فرهنگی نشان می‌دهد تقریباً دو سده از مطرح شدن میراث فرهنگی به عنوان ماهیتی ارزشمند و ماندگار می‌گذرد. در گذشته متخصصان مرمت، حفاظت از میراث فرهنگی را امری تخصصی می‌دانستند و در بسیاری از موارد عموم را از دخالت در این امر منع می‌کردند (مقصودی و حبیبی، ۱۳۸۶). گرچه حفاظت از میراث توسط دولت و با همراهی متخصصان مطمئن می‌نمود اما در میان منتقدان و گروه‌های مخالف دولت این شائبه را همواره زنده نگه می‌داشت که دولت با هدف تبلیغات سیاسی یا به عنوان یک ابزار سیاسی به میراث فرهنگی نگاه می‌کند. با این ایده حفاظت از میراث از جانب مردم نیز مطرح نمی‌شد چرا که دولت‌ها ابزارهای قانونی لازم را برای مشارکت مردم در حفظ میراث در اختیار نداشتند. از حدود یک سده گذشته به تدریج شناسایی میراث به عنوان یک وظیفه عمومی (مسئولیت همگانی) شناخته شد (Sax, 1990). اما تجربیات جهانی حاکی از آن است که حفاظت و باززنده سازی میراث فرهنگی هنگامی موفق است و می‌تواند اهداف خود را به درستی محقق سازد که از مشارکت مردمی سود جوید (Little, 1993). به عنوان نمونه در بین پژوهش‌های خارجی نتایج تحقیق لی در ارتباط با سیاست‌های دولت سنگاپور در حفظ میراث فرهنگی نشان می‌دهد یکی از دلایل موفقیت چشمگیر دولت در حفظ فروشگاه‌های باستانی، ایجاد زمینه حضور نیروهای اقتصادی و اجتماعی در محافظت از این فروشگاه‌ها و حفظ فعالیت‌ها و مناسبات اجتماعی کهن در این مناطق بوده است (Lee, 1996). مشابه چنین حفاظت‌هایی را می‌توان در دیگر نقاط دنیا چون پروژه‌های هنگ کنگ (Yung, 2011, 2013)، هند (Maikhuri, 2001) و

^۱ نظره بزرگترین شهر در شمال فلسطین اشغالی است. نظره به عنوان پایتخت عرب‌نشین اسرائیل شناخته می‌شود و تقریباً تمام اعراب مسلمان و مسیحی هستند.

^۲ peek

واژه هویت یا identity ریشه در زبان لاتین دارد و معانی اصلی آن عبارتست از: ۱) تشابه مطلق یعنی این با آن مشابه است. ۲) تمایز، که سازگاری و تداوم را در بر می‌گیرد. ۳) طبقه‌بندی کردن افراد و اشیا ۴) مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر.

این شناخت از خود و دیگری در پرتو یک فرآیند معنا سازی محقق می‌گردد. هویت فرآیند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارد. همان گونه که کنش‌ها کار ویژه‌ها را سازمان می‌دهند، هویت‌ها نیز به معنا سازمان می‌بخشند. از این دیدگاه هویت مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی، اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند. هویت‌ها معناهایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به رابطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. مردم به دیگران می‌گویند که چه کسی هستند و مهم‌تر این که به خودشان نیز می‌گویند که چه کسی هستند و سپس می‌کوشند به گونه‌ای رفتار کنند که از آن کسی که تصور می‌کنند هستند، انتظار می‌رود (تاجیک، ۱۳۸۴، ۱۰-۱۳).

با توجه به تحولات عمیق و همه جانبه در دوران جوانی طرح مقوله هویت بسیار ضروری به نظر می‌رسد چراکه هویت در اشکال گوناگون (قومی، ملی، محلی، جهانی، مذهبی و ...) خود موجب حضور و مشارکت جوان در فضاهای جمعی و روابط اجتماعی گوناگون می‌شود؛ همین امر به او کمک می‌کند تا تصویری روشن‌تر از خویش ترسیم کند و نسبت به حوادث و تحولات جامعه خود ژرف‌تر بیندیشد، به تاریخ، مردم و محیط اجتماعی خود بیشتر احساس تعلق کند و در نهایت سبب می‌شود بداند کیست، چه نسبتی با جهان اطراف خود دارد و چه رفتاری از او انتظار می‌رود.

به باور گیدنز، انسان زندگی اجتماعی خود را از طریق کنش‌های رو در رو یا با واسطه در رابطه با انسان‌های دیگر می‌سازد. «هویت شخصی در حقیقت همان خود است که

هستند و هویت آنها با گردشگری تهدید نمی‌شود (Picard & Wood, 1997).

از جمع‌بندی موارد مطرح شده این نتیجه حاصل می‌شود که پژوهش‌های جهانی عمدتاً از نگاه کاربردی، تأثیر باورها و عقاید را بر حفظ میراث و گردشگری بررسی کرده‌اند. از آنجا که گردشگر حامل باورهای جدید و نگاه دیگری به میراث است داشتن هویت دینی زمینه مناسبی را برای حفظ باورها و تبادل آن با گردشگران فراهم می‌آورد.

مروری بر مباحث نظری پژوهش

مطالعه درباره هویت یعنی پاسخ به پرسش من کیستم، سابقه‌ای دیرینه دارد. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند هویت به عنوان یک پدیده اجتماعی محصول عصر جدید و به عنوان یک مفهوم علمی از ساخته‌های تازه علوم اجتماعی است که در نیمه دوم قرن کنونی به جای مفهوم خلق و خوی فردی و جمعی رواج یافته است. «برای انسان پیشامدرن هویت دشواره‌ای اندیشه ساز یا اندیشه سوزن بود زیرا هویت او در ارتباط با کل‌های فردی (خدا، روح، تاریخ، جامعه، قبیله) تعریف می‌شد. این "من" در نظام کائنات در تناسب، تعادل و توازن زیستی قرار داشت. با طرح گزاره "من فکر می‌کنم، پس هستم" و ایده کانت مبنی بر "فرایند آگاهی از آگاهی" گسست از پارادایم سنتی آغاز شد. آن نیروی خدایی که تمامی قدرت‌ها در اختیار او بود به کلی مورد شک و تردید قرار گرفت و نیروی انسانی (سوژه) یعنی اعتقاد به توان، سازندگی و عقل انسان جایگزین آن گردید. سوژه خود بنیاد در مقام عبودیت جای گرفت و تمامی قدرت‌هایی که پیش از این در اختیار خداوند بود به انسان صاحب قوه عاقله رسید» (هودشتیان، ۲۰۶:۱۳۸۱).

هویت چیزی است که به وسیله آن انسان خویش را از دیگری باز می‌شناسد و کسیتی و چیستی خود را در پرتو آن تعریف می‌کند. جنکینز این معنا را به گونه زیر بیان می‌کند: «با رجوع به فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد در می‌یابیم که

گسترده تحت تأثیر اندیشه‌های سه نظریه‌پرداز کلاسیک جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و وبر است. «اندیشه‌های مارکس تحت تأثیر فوئرباخ شکل گرفته است که معتقد است عقاید دینی به وسیله انسان‌ها در تکامل فرهنگی‌شان به وجود آمده اما آنها، آن را اشتباهاً به نیروهای الهی یا خدایان نسبت می‌دهند. مارکس به تأسی از فوئرباخ باور دارد دین نشان‌دهنده از خود بیگانگی انسان است. به رغم این ایده، وی تحت تأثیر نقش انکارناپذیر دین ابراز می‌دارد «دین قلب یک دنیای بی‌قلب است. پناهگاهی در برابر خشونت واقعیت‌های روزانه... ارزش‌های مثبتی که در دین تجسم یافته می‌تواند به صورت آرمان‌های راهنمای بهبود سرنوشت بشریت در این جهان در آید (گیدنز، ۱۳۷۶).

دورکیم با تفکر و پژوهش بر کارکردهای دین ابراز می‌دارد که با توسعه جوامع امروزی نفوذ مذهب رو به افول می‌گذارد اما به این واقعیت هم اشاره می‌کند که همه ادیان متضمن تشریفات منظمی هستند که موجب تقویت حس همبستگی گروهی می‌شود» (گیدنز، ۱۳۷۶). وی همچنین چهار کارکرد عمده انضباط بخشی، انسجام بخشی، حیات بخشی و خوشبختی بخشی را برای دین شرح می‌دهد (عباسی، ۱۳۸۲: ۵۵). وبر استدلال می‌کند که مردم به دلیل نظام باورهای مشترک به شیوه معینی رفتار می‌کنند و تنها راه درک کنش‌های یک ملت برای دانشمندان اجتماعی این است که فرهنگ آنان را درک کنند (شارون، ۱۳۸۸: ۲۲). وی با مطالعه وسیعی درباره ادیان سراسر جهان، استدلال می‌کند که دین لزوماً نیرویی محافظه‌کار نیست؛ برعکس جنبش‌های الهام گرفته از دین اغلب دگرگونی‌های اجتماعی چشم‌گیری به وجود آورده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۵۰۶). از این سه جامعه‌شناس برجسته شاید تنها وبر توانست حدس بزند که یک نظام سنتی مانند اسلام ممکن است تجدید حیات عمده‌ای پیدا کند و پایه تحولات مهم سیاسی در اواخر قرن بیستم شود (همان، ۵۱۶: ۵۱۶). گیدنز معتقد است احیای اسلامی را نمی‌توان صرفاً بر اساس ملاحظات مذهبی درک کرد. این جنبش تا حدی نشان‌دهنده واکنشی

شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه اش می‌پذیرد. در اینجا هویت به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است، تداومی که به صورت بازتاب تفسیری است که خود فرد از آن به عمل آورده است. باقی ماندن و ثبات این هویت به توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و روایت مشخصی از زندگی‌نامه‌اش در ذهن بستگی دارد» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۸۴).

هر فرد برای انجام یک کنش معنادار فرآیندی هرمنوتیکی از درک تجربه اجتماعی، معنا کردن و تفسیر تجربه اجتماعی را طی می‌کند. برای حرکت روی این دایره هرمنوتیکی، انسان به منابع ذهنی احتیاج دارد که این منابع در ساخت اجتماعی تأمین می‌شوند. هویت شخصی در سطح کلان از تجارب تاریخی و جمعی تأثیر می‌پذیرد و به این طریق هویت اجتماعی شکل می‌گیرد. هر فرد به طور شخصی تجارب یا خاطراتی از گذشته دارد که به صورت جمعی تاریخ را در بر می‌گیرد. به همین دلیل برای شناخت یک ملت باید تاریخ آنها را به عنوان تجارب گذشته که در کنش حال و آینده آنها تأثیر خواهد داشت و هویت فعلی آنها را می‌سازد، مطالعه کرد (گیدنز، ۱۳۷۶).

«هویت‌ها پدیده‌هایی فراتاریخی، عاری از اقتصاد، مذهب، ایدئولوژی و تاریخ و جغرافیای خاص خود نیستند بلکه این سازه‌های اجتماعی با تکیه بر حافظه جمعی، منابع معرفتی و ساختار عینی اجتماعی ایجاد و تعریف شده در طول زمان باز تعریف و باز تفسیر می‌شوند. به عبارت دیگر در ساخت هویت‌ها، ساختار عینی و مادی جامعه و ساختار معرفتی همزمان نقش دارند» (منتظرالقائم، ۱۳۷۷: ۲۵۹).

در جوامعی که دین رکن اساسی اداره آن را بر عهده دارد، یکی از مهم‌ترین منابع معرفتی مذهب است که بر مبنای آن درک تجربه، معنا و تفسیر صورت می‌گیرد. به همین دلیل اکثر کنش‌های زندگی، دلایل دینی و مذهبی دارند که اشکال مختلف سازمان‌های اجتماعی را معنادار می‌کند و اجتماع و روابط اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد (گیدنز، ۱۳۷۶).

رویکردهای جامعه‌شناختی نسبت به دین هنوز به طور

ویژگی‌های مرتبط با دینداری را حول پنج بعد به شرح زیر جمع‌بندی کرده‌اند:

- بعد اعتقادی که دربرگیرنده باورهایی است که انتظار می‌رود فرد با توجه به دین خاص خود به آنها اعتقاد داشته باشد.
 - بعد عاطفی یا تجربی که ناظر به عواطف، تصورات و احساسات پیروان یک دین به وجودی ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی و اقتداری متعالی است.
 - بعد مناسکی که عبارت است از آداب و رسوم و مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که آنها را به جا آورند.
 - بعد فکری یا دانش دینی که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های بنیادی در مورد معتقدات هر دین است.
 - بعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزانه است و به عبارت دیگر تأثیر و انعکاس دینی در رفتارهای روزمره است.
- با توجه به اهداف پژوهش مبنی بر سنجش نقش دین بر زندگی اجتماعی و تأکید بر حفاظت فعال از میراث فرهنگی و استفاده از مقاله سفیری (۱۳۸۸) که هویت دینی را در سه بعد احساسی، اعتقادی و عملی مطالعه کرده است، در این پژوهش نیز بعد اعتقادی، عاطفی و پیامدی دینداری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

میراث فرهنگی

فرهنگ هر ملتی به میزان زیادی از شیوه زندگی گذشتگان خود تأثیر می‌پذیرد و به شیوه‌های مختلف، ارتباط با گذشته را تشویق و گسستن از آن را تقبیح می‌کند. ما هنوز در حبابی از گذشته زندگی می‌کنیم که در عصر حاضر شناور است بنابراین این جمله معروف آگوست کنت که می‌گوید مردگان بیش از زندگان بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند، اغراق‌آمیز به نظر نمی‌رسد.

میراث فرهنگی به کلیه آثار و بقایای به جا مانده از فعالیت‌های انسان در اعصار گذشته گفته می‌شود. این آثار

علیه تأثیر غرب و یک جنبش ابراز هویت ملی یا فرهنگی است (کیدنز، ۱۳۷۶: ۵۱۸). ملاحظه می‌شود که در اندیشه کیدنز به عنوان یک صاحب‌نظر عرصه جامعه‌شناسی، هویت ملی و دینی ایرانیان از همدیگر قابل تفکیک نیست و در واقع وی تلویحا به در هم تنیدگی ابعاد ایرانی^۵ اسلامی هویت ایرانیان اشاره می‌کند.

«هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق به دین و جامعه دینی و همچنین تعهد به دین و جامعه دینی است. به عبارت دیگر با پذیرش دین به عنوان اصل اعتقادی و تعهد و احساس تعلق به آن، در زندگی و وجوه مختلف حیات فرد مومن تغییرات و نتایج مهمی حاصل می‌شود که همان هویت دینی است. بنابراین برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در فرایند شکل‌دهی هویت بسیار مؤثر است. در این نوشتار برای هویت دینی ابعادی در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

بعد دینداری و نگرش به نفس دین: «دینی بودن» عنوان عامی است که به فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دین در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. تجلی نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و جو کرد. فرد متدین از یک سو، خود را ملزم به رعایت فرمان‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر اهتمام و ممارست‌های دینی، او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بدین طریق با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت: یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری پیامد دینداری و آثار تدین در فکر، جان، عمل فردی و اجتماعی او. پس دینداری به بیان کلی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند.

گلارک و استارک ساختارهای دینی متعددی را تحت عناوین باور، عمل (مراسم مذهبی و عبادت)، تجربه، معارف و نتایج و پیامدهای دینی و تأثیرات روزانه آن نام برده‌اند. آنها

تاریخی خود ضمن احساس تعلق به گذشته افتخارآمیز در عین حال مالک گنجینه‌ای با ارزش برای انتقال به آیندگان هستند؛ به این ترتیب توالی نسل‌های تاریخی موجب قوام و دوام کل جامعه در مسیر تاریخی آن می‌گردد.

معنا بخشی به حیات اجتماعی: ارزش‌های ملحوظ در آثار تاریخی با ایجاد یادمان‌ها به حیات فرهنگی و اجتماعی شهر معنا بخشیده، میان فضای کالبدی شهرهای تاریخی با ارزش‌های اجتماعی جاری در زندگی روزمره ارتباطی خلاق و زنده برقرار می‌کنند. در کشورهایی مثل ایران که از تاریخ و تمدن کهن و ریشه‌دار برخوردارند، میراث فرهنگی به عنوان عاملی جهانی و متعلق به تمام دنیا قلمداد می‌شود. معرفی شدن میراث فرهنگی یک جامعه به عنوان میراث جهانی حس تعلق، احترام و اعتماد و افتخار به این میراث ملی را به دنبال دارد و می‌توان از آن به عنوان منبعی زنده، توسعه‌آور و هویت بخش در جهت تداوم حفاظت از این آثار بهره گرفت.

در حفاظت از میراث فرهنگی دو رویکرد عمده ایستا و پویا مطرح است. نخست، رویکرد ایستا: در این رویکرد «مراقبت» از میراث فرهنگی در مد نظر است. این واژه به معنای حفظ، نگهداری، ممانعت و جلوگیری کردن از خطر و آسیب‌هایی است که به کالبد یا عملکرد اثر وارد می‌شود و در نهایت به اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از خطرات احتمالی می‌انجامد (حیسی، ۱۳۸۱: ۱۸). به عبارت دیگر میراث فرهنگی یادگارهای باقی‌مانده از گذشته است که فقط به حفظ و نگهداری آن تأکید می‌شود. بسیاری تصور می‌کنند میراث فرهنگی یک مشت کاسه، کوزه شکسته است که از گذشته به جا مانده و باید در موزه‌ها از آن نگهداری کرد (بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۴۰). به همین دلیل به منظور حفاظت از آثار تاریخی صرفاً به شناسایی، ثبت قانونی آثار، حفظ بناها و آثار تاریخی به صورت منفرد و نادیده گرفتن پیوستگی این آثار با فضاها و فرهنگ مردم پیرامون، مرمت یا محصور کردن آن و تعیین مجازات برای متخلفان بسنده می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۷، ۱۶).

شامل آثار مدفون در خاک و آب، آثار مشهود، کنده‌کاری‌ها و نقوش به جا مانده در صخره‌ها و غارها، فن‌آوری‌های گذشتگان در زمینه‌های متعدد زندگی مثل کشاورزی، صنعت، شکار، دامپروری، تغذیه، ارتباطات، آبیاری و آبرسانی و معماری می‌شود (لاله، ۱۳۷۸: ۱۷). میراث فرهنگی می‌تواند کارکردهای زیر را داشته باشد:

حفظ هویت فرهنگی میراث فرهنگی هر ملت بیانگر جنبه‌هایی از نبوغ و خلاقیت آن ملت و تداوم شکوه اسرارآمیز آن چیزی است که مردم در طی قرون و اعصار آفریده‌اند. شناسایی و حفاظت و معرفی این یادمان‌های کهن در شکل دادن به هویت فرهنگی ملت‌ها نقش عمده‌ای ایفا می‌کند (آورزمانی، ۱۳۷۸: ۴۷). میراث فرهنگی نه تنها به عنوان یک عنصر ماهوی در تشکیل هویت و ثروت جامعه بلکه به عنوان زمینه‌ای برای شناخت هویت در نظر گرفته می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۴). میراث فرهنگی هویت بخش است، هویت بخشی از طریق ایجاد رابطه عاطفی با این آثار و احساس خودآگاهی فرهنگی ملی تقویت شده به احساس تعهد به حفظ و نگهداری آن منجر می‌شود.

تقویت احساس تعلق به هویت ملی: آثار به جا مانده از گذشتگان یکی از عناصر محوری در ایجاد و حفظ احساس تعلق به هویت ملی هر کشور است. این آثار منابع بدون جایگزین هستند و علاوه بر وحدت میان گذشته و آینده می‌توانند به مکان‌ها، فضاها و انسان‌ها حس تعلق و هویت ببخشند. کنشگران با پیوند برقرار کردن با این آثار علاوه بر احساس افتخار و ارزشمندی، خود را متعهد و متعلق به این سرزمین می‌دانند و در مقابل ارزش‌های جهانی شدن از بی‌هویتی و گسست فرهنگی مصون می‌مانند.

پیوند بین نسلی: میراث فرهنگی پیوند بین نسل‌ها را در طول تاریخ امکان‌پذیر می‌سازد. معاصرین با حفظ و انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های بعد از گسست فرهنگی در دوران معاصر جلوگیری می‌کنند. میراث فرهنگی نقطه تلاقی میان گذشته حال و آینده است. معاصرین با توجه به گذشته

¹ Preservation

محیط زیست فرهنگی، عادی و طبیعی جلوه کند. مردم به طور کاملاً طبیعی و بی‌اعتنا از کنار این آثار عبور می‌کنند و شاید حتی آنها را نمی‌بینند و از روند تخریب این آثار بی‌اطلاع‌اند. این بی‌اعتنایی به حدی است که وقتی حمام خسرو آقا خراب می‌شود و یا ارگ علیشاه و مسجد کبود و یا میدان نقش جهان در معرض خطر قرار دارند مردم در قبال آن واکنشی جدی نشان نمی‌دهند. ناآگاهی و عدم شناخت روز افزون از هویت معماری اسلامی ایرانی. از بناهای جدید نمونه‌های بسیار ناموفقی ساخته است که به دور شدن و حتی حذف معماری سترگ ایرانی در جهان اسلام منجر شده است. نارسایی به حدی است که تأثیر پذیر سنت‌هایی شده‌ایم که با میراث تاریخی ما به هیچ وجه سازگار نیست (لاله، ۱۳۷۸) بنابراین غفلت از ارزش موارث فرهنگی تاریخی سبب شده است که بسیاری از این موارث نابود شوند و یا در معرض نابودی قرار گیرند.

جوانان، هویت دینی و میراث فرهنگی (چارچوب نظری پژوهش)

دوران جوانی زمانی است که جوان با انرژی، حساسیت در برابر بازتاب‌های محیط و مسئولیت‌پذیری فردی به دنبال کسب هویت است. جوانان به دنبال نقطه اتکایی برای پیوند خود با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی محیط هستند. کسب هویت نیازمند آمادگی سازگاری با محیط و حساسیت فوق‌العاده به وقایعی است که در اطراف فرد در جریان است. این وقایع می‌توانند در پیوند با اشخاص، اشیاء، فرهنگ، سنت، گروه‌ها، نهادها، دیدگاه‌ها و شیوه‌های رفتاری اطرافیان او باشد (شفرز، ۱۳۸۳: ۱۱۷).

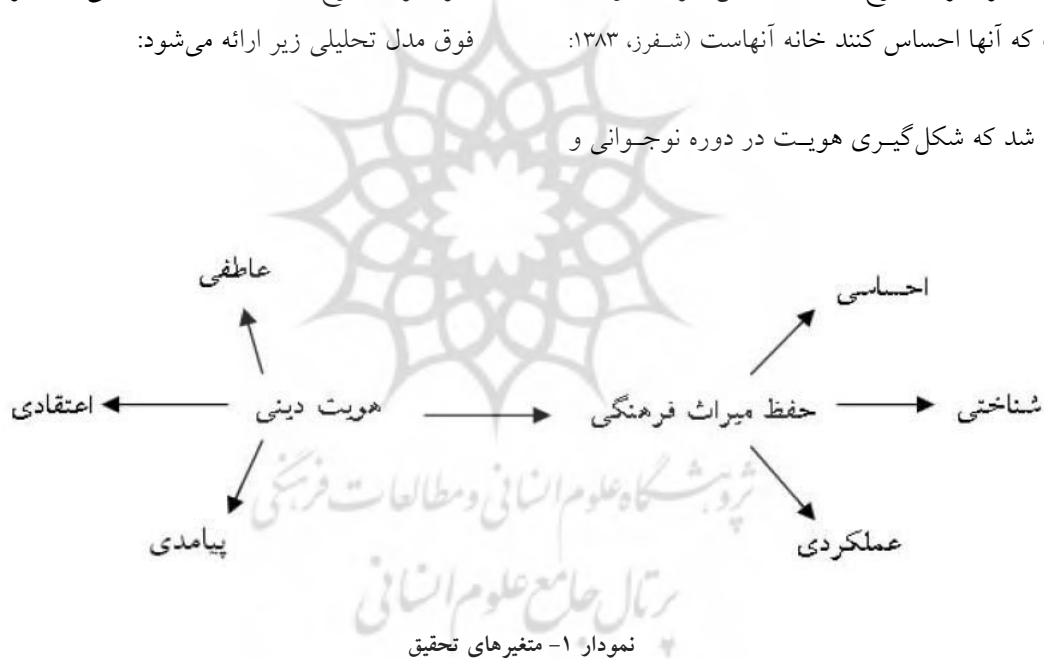
محیط در جریان هویت سازی جوانان نقش بسیار مهمی دارد. در اینجا منظور از محیط نه مفهوم کلی آن، بلکه محیطی است که به دست انسان برای انسان دیگر ساخته شده است. کسب الگوهای مناسب محیطی بر اساس ساختار محیط، نیاز به کنش متقابل ویژه در برقراری ارتباط دارد. بارت بین محیط

رویکرد دوم، رویکرد پویاست در این رویکرد بر «حفاظت»^۱ فعال از میراث فرهنگی تأکید می‌شود. این واژه به معنای حفاظت و نگهداری اثر در شکل طبیعی و اولیه خود است به گونه‌ای که اثر بتواند به نیازهای امروزی پاسخ گوید یا با تغییراتی چند در شکل طبیعی به حیات خود ادامه دهد. این تعریف حفاظت را به معنای نو شدن دائمی نزدیک می‌کند (حیبی، ۱۳۸۱، ۲۰). به بیان دیگر حفاظت فعال مستلزم ایجاد پیوند و وحدت میان میراث گذشته با زندگی امروزی و بهره‌گیری پایدار از آنها در جهت غنی‌تر کردن هویت فضایی و کیفیت محیط زندگی و پاسخگویی به نیازهای امروزی جوامع انسانی است. ارزش‌های آثار تاریخی به عنوان بخشی از ارزش‌های حیات عمومی شهری در ارتباط زنده با شهر و شهروندان در نظر گرفته می‌شود. حفاظت کالبدی آثار تاریخی با حمایت اجتماعی و علاقه عمومی توأم می‌شود. به بهانه حفظ آثار تاریخی و فرهنگی این آثار از مردم جدا نمی‌شود بلکه امکانات بهره‌برداری و استفاده بهینه از آنها فراهم می‌شود. حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی فقط به معنای حفظ بناها و یادمان‌های قدیمی نیست بلکه با گسترش روح آنها در کالبد بافت‌های جدید همراه است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۷).

ساخت و سازهای بی‌رویه بر اثر گسترش شهرها و اقدامات عمرانی شهری و بین شهری موجب تخریب سریع آثار مدفون و غیر مدفون باقی مانده از گذشته شده است. از یک سو تضاد و دوگانگی ساختاری در شهرهای مدرن با بافت تاریخی، مشکل حفظ هویت تاریخی این شهرها را در کنار ضرورت توسعه شهری با ساز و کارهای متناسب با شرایط فعلی مطرح می‌سازد. از سوی دیگر غفلت و ناآگاهی مردم از موارث تاریخی سبب نابودی بسیاری از این موارث تاریخی شده است. وجود آثار متعدد و متنوع تاریخی در شهرها و روستاهای مختلف ایران و عجین شدن این آثار با زندگی روزمره موجب شده است این آثار به عنوان بخشی از

¹ Conservation

جوانی به فرد کمک می‌کند تا بداند کیست، با چه کسانی شباهت دارد، از کدام گروه‌ها با چه ویژگی‌هایی متمایز می‌شود و چگونه با محیط ارتباط می‌یابد. صاحب‌نظران جامعه‌شناسی از جمله مارکس و دورکیم علی‌رغم نگرش منفی نسبت به دین نفوذ آن را در هستی اجتماعی تأیید می‌کنند. وبر معتقد است تنها راه درک کنش‌های یک ملت برای دانشمندان علوم اجتماعی این است که فرهنگ آنان را درک کنند. وی بر نقش دین در بروز تغییرات اجتماعی اشاره کرده است. گیدنز تلویحاً هویت ایرانی اسلامی را در جامعه ایران مطرح می‌سازد. بارت به نقش محیط اطراف و از جمله بناهای تاریخی در هویت‌سازی جوانان ایجاد زمینه برای بهره‌گیری متنوع آنان از جامعه اشاره می‌کند. بر مبنای موارد فوق مدل تحلیلی زیر ارائه می‌شود:



و رفتار اجتماعی، ویژگی‌های محیط و ساختار هویت افراد و ویژگی‌های زندگی در کلان شهرها، ارتباط می‌بیند. از دیدگاه او علت مبارزه جوانان برای حفظ خانه‌های قدیمی و ساخت‌های طبیعی شهرها در واقع حفظ محیط اطرافی است که به آنها هویت می‌دهد. محیطی که وطن آشنای آنهاست. در ساختن ساختمان‌های نو اغلب وجوه کاربردی ساختمان در نظر گرفته می‌شود و بدین ترتیب ساختمان‌هایی ساخته می‌شوند که کاربردهای متنوعی دارند؛ ساختمان‌هایی بدون هویت. بلوخ در کتاب *اصل/امید* می‌نویسد معماری نقش مهمی در پیدایش احساس وطنی دارد. انسان به محیطی مانوس می‌شود که احساس کند آن محیط فضایی بی‌نظیر برای هویت‌سازی و بهره‌گیری متنوع اوست. وطن برای جوانان آنجایی است که آنها احساس کنند خانه آنهاست (شفرز، ۱۳۸۳: ۱۲۱-۱۲۲).

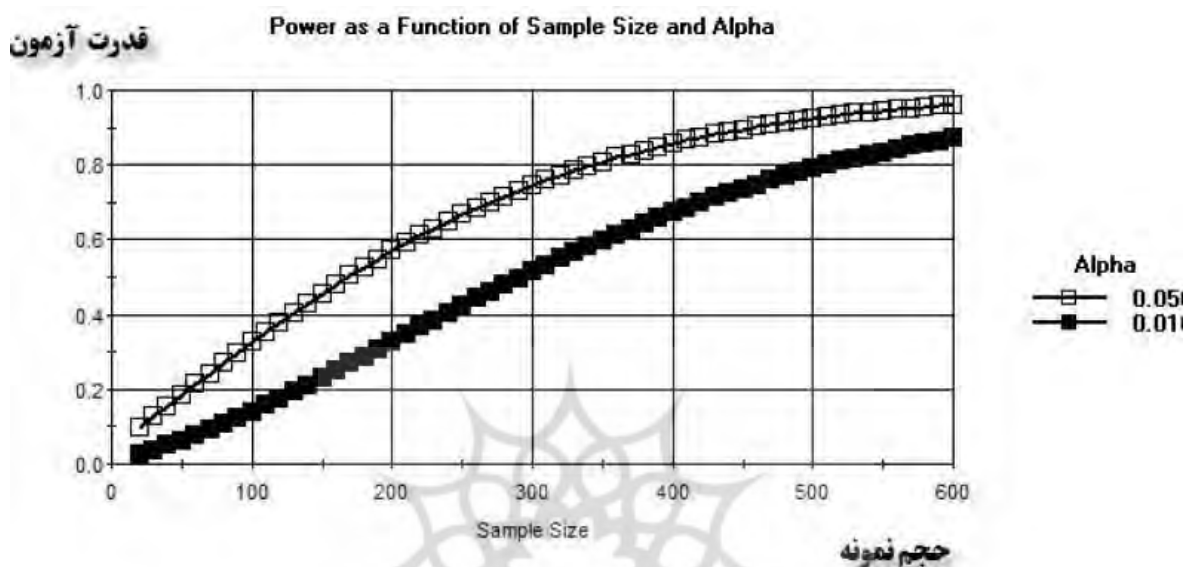
ملاحظه شد که شکل‌گیری هویت در دوره نوجوانی و

در حالی که استفاده از فرمول فوق برای یک موقعیت پژوهشی خاص، به‌ویژه زمانی که بخواهیم نسبتی را در جامعه برآورد کنیم، مناسب است اما وقتی پژوهش از نوع همبستگی است، یا قصد داریم دو یا چند گروه را مقایسه کنیم، موقعیت متفاوت بوده، نمی‌توان از فرمول کوکران استفاده کرد. در این حالت نرم‌افزارهای جدید این امکان را به پژوهشگران می‌دهد که بتوانند در موقعیت‌های مختلف پژوهشی حجم نمونه را

چارچوب روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی و تکنیک پیمایش انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل جوانان ۱۹-۳۵ سال ساکن شهر اصفهان با جمعیت ۵۰۸۴۳۵ نفر است (معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فن آوری اطلاعات، ۱۳۸۸). در بسیاری از تحقیقات فعلی برای موقعیت‌های مختلف پژوهشی از فرمول کوکران برای محاسبه حجم نمونه استفاده می‌شود؛

دقیقاً محاسبه کنند. با توجه به امکانات پژوهش از بین سناریوهای مختلف برای انتخاب حجم نمونه با استفاده از نرم افزار *spss sample power* زیر انتخاب گردید:
حجم اثر: ۰/۱۵
خطا: ۰/۰۵
توان آزمون: ۰/۸۰
حجم نمونه: ۳۴۳



نمودار ۲- حجم نمونه محاسبه شده با نرم افزار *spss sample power*

شامل مناطق یک، پنج، شش، هفت، نه و ده و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تکمیل گردید. در مرحله اول با توجه به وسعت و جمعیت هر منطقه از مناطق ۱۴ گانه شهرداری اصفهان، چند خیابان بر اساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد و در مرحله دوم بر اساس نمونه‌گیری تصادفی منظم از جوانان (۱۹ تا ۳۵ ساله) ساکن مصاحبه شد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه توأم با مصاحبه انجام گرفت. برای اطمینان از اعتبار^۱ ابزار اندازه‌گیری از اعتبار محتوا (صوری) استفاده شده است. به این منظور ضمن انطباق گویه‌ها با تحقیقات انجام شده و چارچوب نظری حاکم بر پژوهش، تمامی گویه‌های استخراج شده توسط چند تن از متخصصان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت.

جهت انجام *pretest* دو منطقه ۱۰ و ۶ از مناطق ۱۴ گانه شهرداری اصفهان به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد

نمودار ۲ حجم نمونه مورد نیاز را با توجه به قدرت آزمون و آلفا برای حجم اثر ۰/۱۵ نشان می‌دهد. همان گونه که مشاهده می‌شود برای خطای ۰/۰۵ و قدرت آزمون ۰/۸۰، که مورد توافق پژوهشگران است، حجم نمونه ۳۴۳ نفر مورد نیاز است. در پژوهش حاضر حجم اثر ۰/۱۵ (*effect size*) در نظر گرفته شده است. منظور از حجم اثر میزان همبستگی است که در پژوهش حاضر می‌توان آن را با این حجم نمونه تشخیص داد؛ به عبارت دیگر اگر بخواهیم همبستگی‌های کوچک معنی‌دار را در یک پژوهش تشخیص دهیم، به نمونه بیشتری نیاز خواهیم داشت و هرچه حجم اثر بزرگتر شود از تعداد نمونه کاسته می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر بر اساس آلفای ۰/۰۵ و قدرت آزمون ۰/۸۰ و حجم اثر ۰/۱۵ تعداد ۳۴۳ نفر از طریق محاسبات نرم‌افزار *SPSS SAMPIE POWER* محاسبه شد.

پرسشنامه‌ها به طور تصادفی در شش منطقه شهر اصفهان

¹ validity

- هویت دینی جوانان بر احساس آنان به میراث فرهنگی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.
- هویت دینی جوانان بر حمایت آنان از میراث فرهنگی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.
- بین هویت دینی جوانان و متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات و تأهل) رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

تعریف عملیاتی مفاهیم و متغیرها

میراث فرهنگی شامل آثار و بقایای به جا مانده از فعالیت‌های یک ملت در اعصار گذشته است و می‌تواند موجب حفظ هویت فرهنگی، تقویت احساس تعلق به هویت ملی، پیوند بین نسلی و معنابخشی به حیات اجتماعی گردد. براساس این تعریف ملاحظه شد که میراث فرهنگی از طریق ایجاد رابطه عاطفی با آثار تاریخی و احساس خودآگاهی فرهنگی به احساس تعهد به حفظ و نگهداری این آثار منجر می‌شود. در این پژوهش با توجه به نقش تأثیرگذار مشارکت مردمی، منظور از متغیر حفظ میراث فرهنگی ارزیابی مجموعه آگاهی‌ها، شناخت، احساس و حمایت‌های عملی است که شهروندان نسبت به حفظ آثار تاریخی شهر خود دارند. به منظور سنجش متغیر حفظ میراث فرهنگی ۱۵ گویه مطرح شد. ۵ گویه بعد شناختی، ۵ گویه بعد احساسی و ۵ گویه بعد عملکردی را سنجیده است.

«هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق به دین و جامعه دینی و همچنین تعهد به دین و جامعه دینی است. به عبارت دیگر با پذیرش دین به عنوان اصل اعتقادی و تعهد و احساس تعلق به آن، در زندگی و وجوه مختلف حیات فرد مومن تغییرات و نتایج مهمی حاصل می‌شود که همان هویت دینی است. دینداری به بیان کلی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند. بر این مبنا هویت دینی با ۱۷ گویه در سه بعد عاطفی (۵ گویه)، اعتقادی (۶ گویه) و پیامدی (۶ گویه) مورد سنجش قرار گرفت. در مجموع برای سنجش متغیرها در پرسشنامه ۸ سؤال بسته و ۳۲

و تعداد ۴۰ نمونه از میان دو منطقه مذکور بررسی گردید. بعد از استخراج و کدگذاری اطلاعات گردآوری شده، نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS استخراج شد. به منظور تعیین قابلیت اعتماد و پایایی^۱ و اطمینان از همسازی درونی گویه‌ها و شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آلفای محاسبه شده برای گویه‌های مربوط به متغیر حفظ میراث فرهنگی برابر ۰/۷۶ و برای گویه‌های مربوط به متغیر هویت دینی برابر ۰/۶۸ به دست آمد که نشان‌دهنده هماهنگی درونی بالای گویه‌های مربوط به این متغیرها و قابلیت اعتماد بالای ابزار سنجش است.

برای سنجش متغیرها در پرسشنامه ۸ سؤال بسته و ۳۲ گویه در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف و اصلاً تا خیلی زیاد) مطرح شد. به منظور سنجش متغیر حفظ میراث فرهنگی ۱۵ گویه مطرح شد. ۶ گویه بعد شناختی، ۴ گویه بعد احساسی و ۵ گویه بعد عملکردی را سنجیده، همچنین هویت دینی با ۱۷ گویه سه بعد عاطفی (۵ گویه)، اعتقادی (۷ گویه) و پیامدی (۵ گویه) را مورد سنجش قرار داده است.

با توجه به ماهیت متغیرهای در نظر گرفته شده از روش‌های آماری مختلف از جمله مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. داده‌های پژوهش حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که ۳۴۳ نفر از جوانان شهر اصفهان آن را تکمیل کرده‌اند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS بر اساس سطوح سنجش متغیرها در دو سطح توصیف و تبیین تجزیه و تحلیل شد.

در این تحقیق فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

- هویت دینی جوانان بر حفظ میراث فرهنگی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.
- هویت دینی جوانان بر میزان آگاهی آنان به میراث فرهنگی تأثیر مستقیم و معنادار دارد.

¹ reliability

مردان در پیمایش سهم داشته‌اند. همچنین ۵۲/۴ درصد از پاسخگویان مجرد و ۴۲/۲ درصد آنان متأهلند (جدول ۲).

گویه در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف و اصلاً تا خیلی زیاد) مطرح شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف) تحلیل توصیفی

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی سن آزمودنی‌ها

متغیر	تعداد معتبر	میانگین	حداقل	حداکثر
سن	۳۳۷	۲۵/۰۳	۱۹	۳۵

میانگین سنی شرکت‌کنندگان حدود ۲۵ سال است، حداقل سن ۱۹ و حداکثر سن آنها ۳۵ سال است (جدول ۱).

جدول ۳- فراوانی و درصد فراوانی وضعیت تحصیلی پاسخگویان

وضعیت تحصیلی	فراوانی	درصد
زیر دیپلم	۱۱	۳/۲
دیپلم	۹۵	۲۸
کاردانی و کارشناسی	۲۰۱	۵۹
کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۲	۶/۵
حوزوی	۶	۱/۷
تعداد معتبر	۳۳۸	۹۸/۴
داده‌های از دست رفته	۵	۱/۶

از نظر سطح سواد اکثر شرکت‌کنندگان دارای مدرک بالاتر از دیپلم هستند. چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود از بین ۳۳۸ داده معتبر تعداد افراد با مدرک تحصیلی کاردانی و کارشناسی بیشترین فراوانی ۵۹ درصد و کمترین فراوانی ۱/۷ درصد به افراد حوزه اختصاص دارد.

شاخص‌های توصیفی مربوط به نمرات هویت دینی و ابعاد آن (عاطفی، اعتقادی و پیامدی) با حفظ میراث فرهنگی و ابعاد آن (احساسی، شناختی و عملکردی) محاسبه شده و نتایج در جداول ۴ و ۵ ارائه شده است.

جدول ۲- فراوانی و درصد فراوانی آزمودنی‌ها بر حسب جنسیت و وضعیت تأهل

متغیر	فراوانی	در صد فراوانی
مرد	۱۳۰	۳۸
زن	۲۱۳	۶۲
متأهل	۱۴۸	۴۲/۲
مجرد	۱۸۴	۵۲/۴

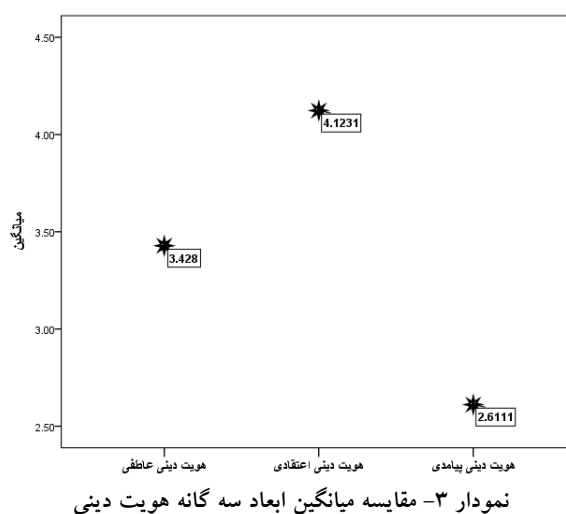
برحسب جنسیت ۳۸/۰ درصد پاسخگویان مرد و ۶۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهد، بنابراین زنان تقریباً دو برابر

جدول ۴- شاخص‌های توصیفی نمرات هویت دینی و ابعاد آن

میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
۳/۴۳	۰/۶۲۳	۰/۶	۴
۴/۱۲	۱/۰۴۱	۰/۸۳	۵/۸۳
۲/۶۱	۰/۸۶۸	۰/۳۳	۵
۳/۳۸۵	۰/۷۶۱	۰/۸۸	۴/۷۶

داده‌های جدول فوق در ارتباط با میانگین نمرات هویت دینی و ابعاد آن بر اساس یک طیف پنج درجه‌ای نشان می‌دهد بیشترین میانگین (۴/۱۲) به بعد اعتقادی هویت دینی مربوط است. به عبارت دیگر روی یک طیف پنج درجه‌ای این میانگین در حد «زیاد» است. بعد عاطفی هویت دینی کمی از حد متوسط بیشتر (۳/۴۳) و بعد پیامدی از متوسط کمتر (۲/۶۱) است. بر اساس انحراف معیار محاسبه شده نیز می‌توان گفت بیشترین پراکندگی در پاسخ مربوط به بعد اعتقادی و سپس پیامدی و عاطفی بوده است. میانگین نمره کلی هویت دینی برابر ۳/۳۸ است و بر روی یک طیف پنج درجه‌ای کمی بیشتر از حد متوسط است.

داده‌های جدول فوق در ارتباط با میانگین نمرات هویت دینی و ابعاد آن بر اساس یک طیف پنج درجه‌ای نشان می‌دهد بیشترین میانگین (۴/۱۲) به بعد اعتقادی هویت دینی مربوط است. به عبارت دیگر روی یک طیف پنج درجه‌ای این میانگین در حد «زیاد» است. بعد عاطفی هویت دینی کمی از حد متوسط بیشتر (۳/۴۳) و بعد پیامدی از متوسط کمتر (۲/۶۱) است. بر اساس انحراف معیار محاسبه شده نیز می‌توان گفت بیشترین پراکندگی در پاسخ مربوط به بعد اعتقادی و سپس پیامدی و عاطفی بوده است. میانگین نمره کلی هویت دینی برابر ۳/۳۸ است و بر روی یک طیف پنج درجه‌ای کمی بیشتر از حد متوسط است.

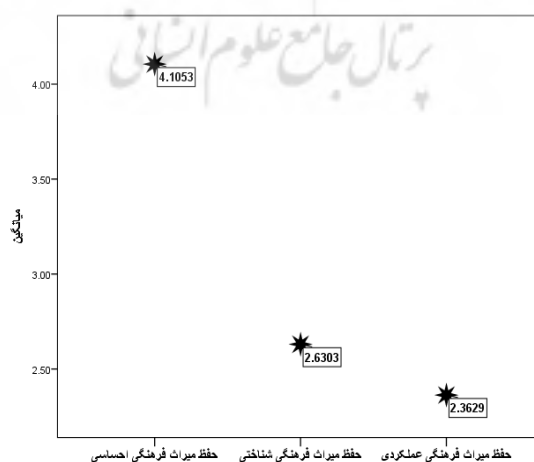


جدول ۵- شاخص‌های توصیفی نمرات حفظ میراث فرهنگی و ابعاد آن

میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	
۴/۱۱	۰/۸۰۵	۰/۲	۵	بعد احساسی
۲/۶۳	۰/۷۵۹	۰	۴/۴	بعد شناختی
۲/۳۶	۰/۶۴۱	۰/۲	۴	بعد عملکردی
۳/۰۳۳	۰/۶۳	۰/۵۳	۴/۲۷	حفظ میراث فرهنگی

جدول ۵ میانگین نمرات حفظ میراث فرهنگی و ابعاد آن را بر اساس یک طیف پنج درجه‌ای نشان می‌دهد. بیشترین میانگین به بعد احساسی (۴/۱۱) است یعنی در یک طیف پنج درجه‌ای پاسخگویان از لحاظ احساسی در حد «زیاد» به حفظ میراث فرهنگی علاقه دارند. میانگین نمره بعد شناختی حفظ میراث برای هر آزمودنی ۲/۶۳ و برای بعد عملکردی ۲/۳۶ است که با توجه به طیف پنج درجه‌ای از حد متوسط کمتر است. میانگین نمره کلی متغیر حفظ میراث ۳/۰۳۳ و در حد متوسط است.

جدول ۵ میانگین نمرات حفظ میراث فرهنگی و ابعاد آن را بر اساس یک طیف پنج درجه‌ای نشان می‌دهد. بیشترین میانگین به بعد احساسی (۴/۱۱) است یعنی در یک طیف پنج درجه‌ای پاسخگویان از لحاظ احساسی در حد «زیاد» به حفظ میراث فرهنگی علاقه دارند. میانگین نمره بعد شناختی حفظ میراث برای هر آزمودنی ۲/۶۳ و برای بعد عملکردی ۲/۳۶ است که با توجه به طیف پنج درجه‌ای از حد متوسط کمتر است. میانگین نمره کلی متغیر حفظ میراث ۳/۰۳۳ و در حد متوسط است.

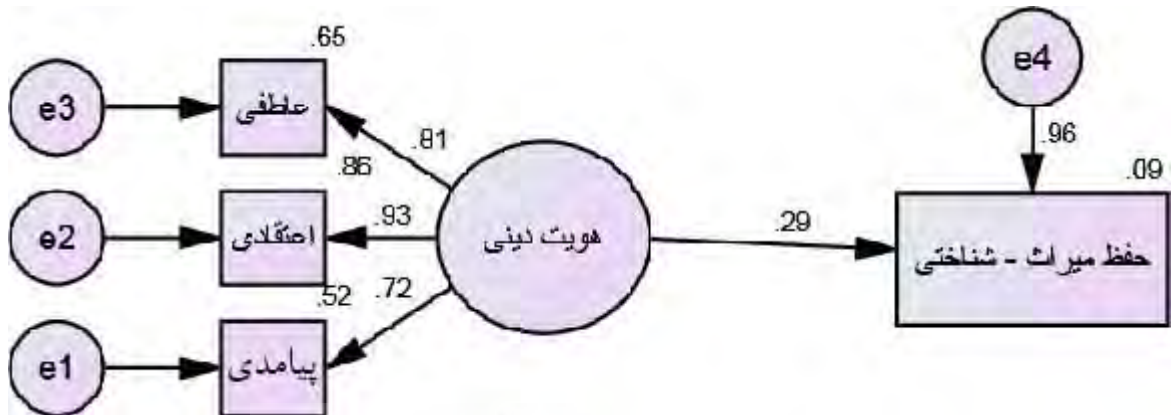


نمودار ۴- مقایسه میانگین ابعاد سه گانه متغیر حفظ میراث فرهنگی

ب) آزمون فرضیات

مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردید که نتایج آن در نمودارهای زیرگزارش شده است:

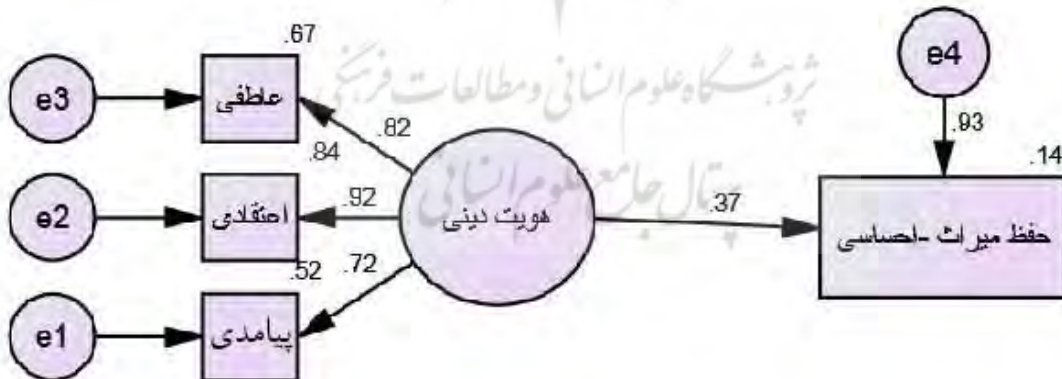
به منظور بررسی رابطه بین دو متغیر هویت دینی و حفظ میراث فرهنگی و همچنین رابطه بین ابعاد این دو متغیر از



نمودار ۵- بررسی تأثیر متغیر هویت دینی و ابعاد آن بر بعد شناختی متغیر حفظ میراث فرهنگی

دینی برکسب شناخت و آگاهی شهروندان به حفظ میراث فرهنگی تأیید می‌شود و هویت دینی ۹ درصد از تغییرات در آگاهی افراد نسبت به حفاظت از میراث را تبیین می‌کند.

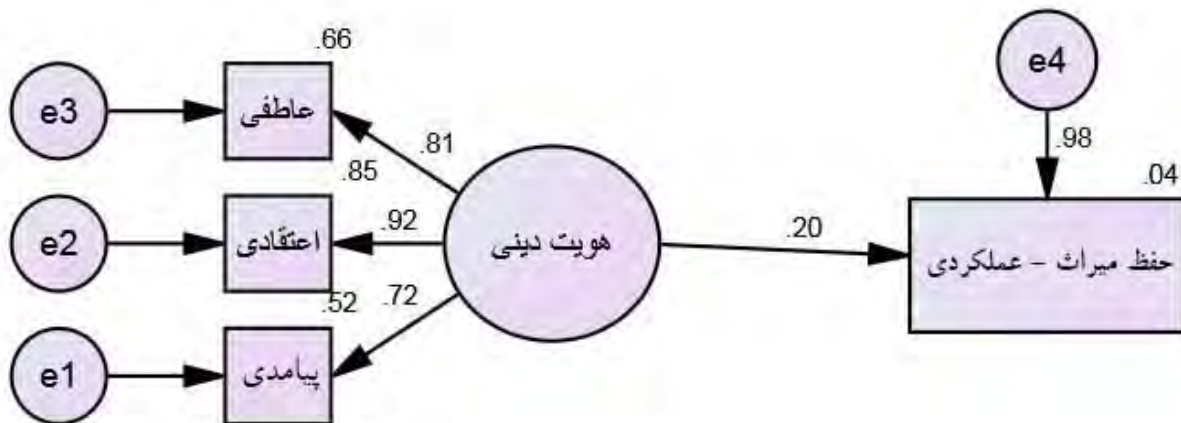
رابطه هویت دینی با بعد شناختی حفظ میراث فرهنگی ۰/۲۹ و در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. ضریب تعیین این بعد برابر ۰/۰۹ بوده و واریانس تبیین نشده برابر ۰/۹۶ محاسبه شده است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر نقش هویت



نمودار ۶- بررسی تأثیر متغیر هویت دینی و ابعاد آن بر بعد احساسی متغیر حفظ میراث فرهنگی

مبنی بر نقش هویت دینی بر احساس جوانان به حفظ میراث فرهنگی تأیید می‌شود و هویت دینی ۱۴ درصد از تغییرات در احساس افراد نسبت به حفاظت از میراث را تبیین می‌کند.

رابطه هویت دینی با بعد احساسی حفظ میراث فرهنگی ۰/۳۷ است و در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. ضریب تعیین این بعد برابر ۰/۱۴ است و واریانس تبیین نشده برابر ۰/۹۳ محاسبه شده است. ملاحظه می‌شود که فرضیه سوم پژوهش



نمودار ۷- بررسی تأثیر متغیر هویت دینی و ابعاد آن بر بعد عملکردی متغیر حفظ میراث فرهنگی

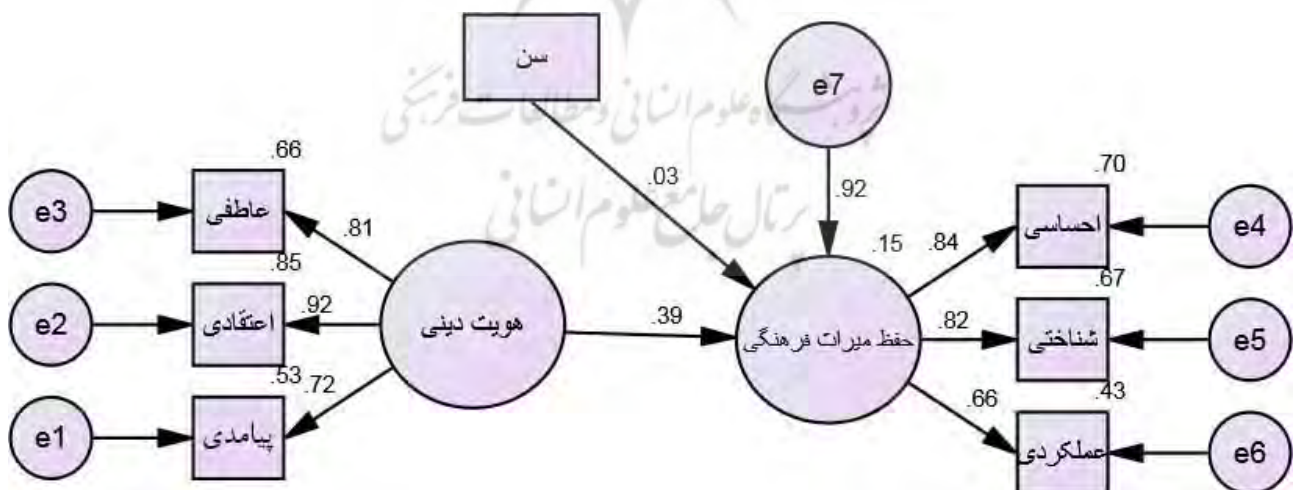
حمایت افراد نسبت به حفاظت از میراث را تبیین می‌کند.

رابطه هویت دینی با بعد عملکردی و حمایتی حفظ

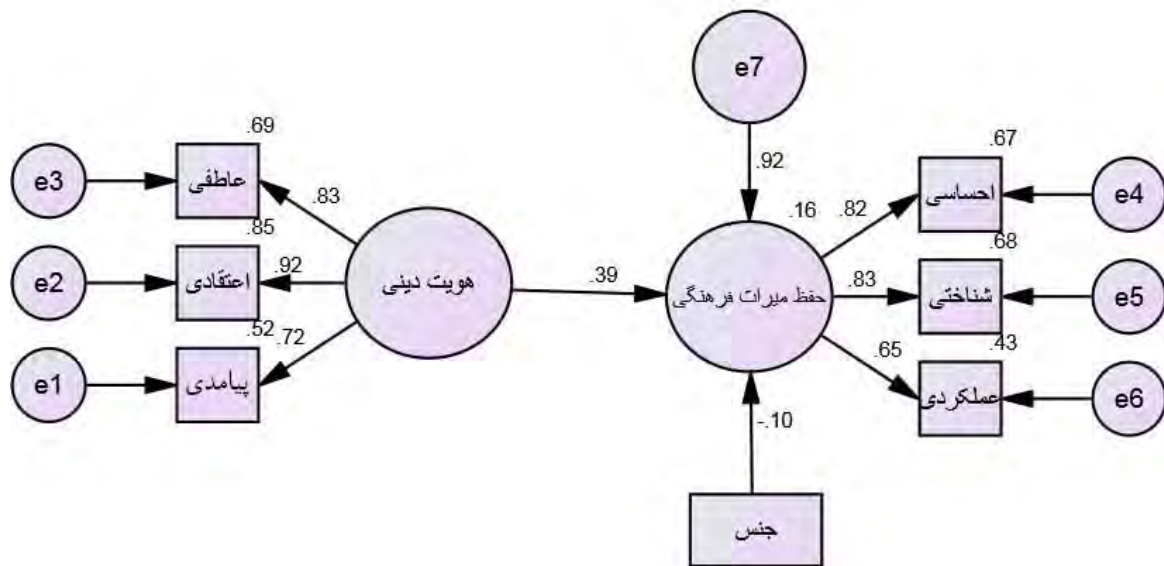
میراث فرهنگی ۰/۲۰ است و در سطح ۰/۰۰۲ معنی‌دار است. ضریب تعیین این بعد برابر ۰/۰۴ است و واریانس تبیین نشده برابر ۰/۹۸ محاسبه شده است. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر تأثیر هویت دینی بر حمایت شهروندان از میراث فرهنگی تأیید می‌شود و هویت دینی ۴ درصد از تغییرات در

ج) تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر حفظ میراث فرهنگی

وزن رگرسیونی سن بر حفظ میراث فرهنگی ۰/۰۳ است و سطح معنی‌داری آن برابر ۰/۶۵۹ است. بنابراین بین سن و حفظ میراث فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود نداشته است.



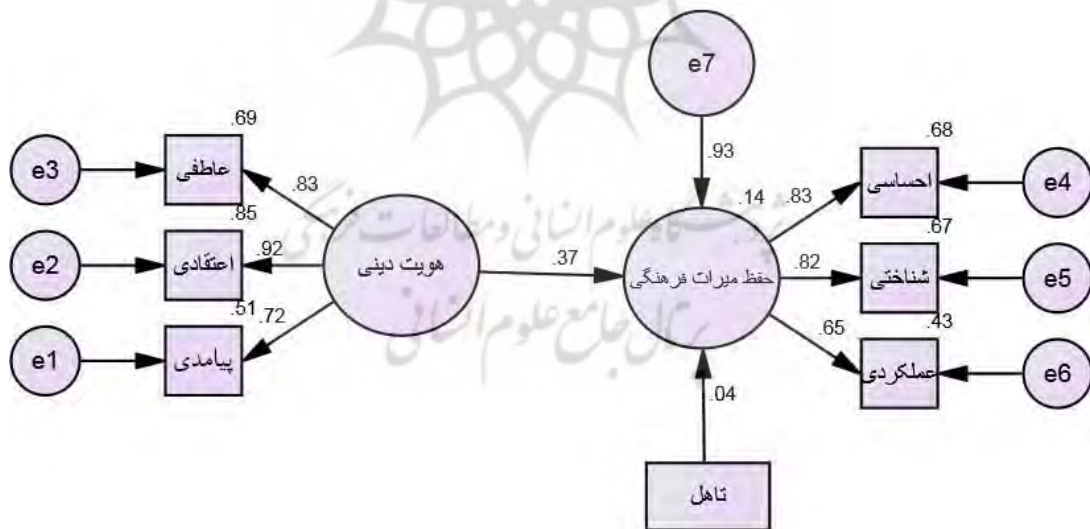
نمودار ۸- بررسی تأثیر متغیر سن بر متغیر حفظ میراث فرهنگی و ابعاد آن



نمودار ۹- بررسی تأثیر متغیر جنس بر متغیر حفظ میراث فرهنگی و ابعاد آن

میراث فرهنگی در زنان کمتر شده است ولی این رابطه معنی‌دار نبوده و می‌توان گفت رابطه‌ای بین جنس و حفظ میراث فرهنگی وجود نداشته است.

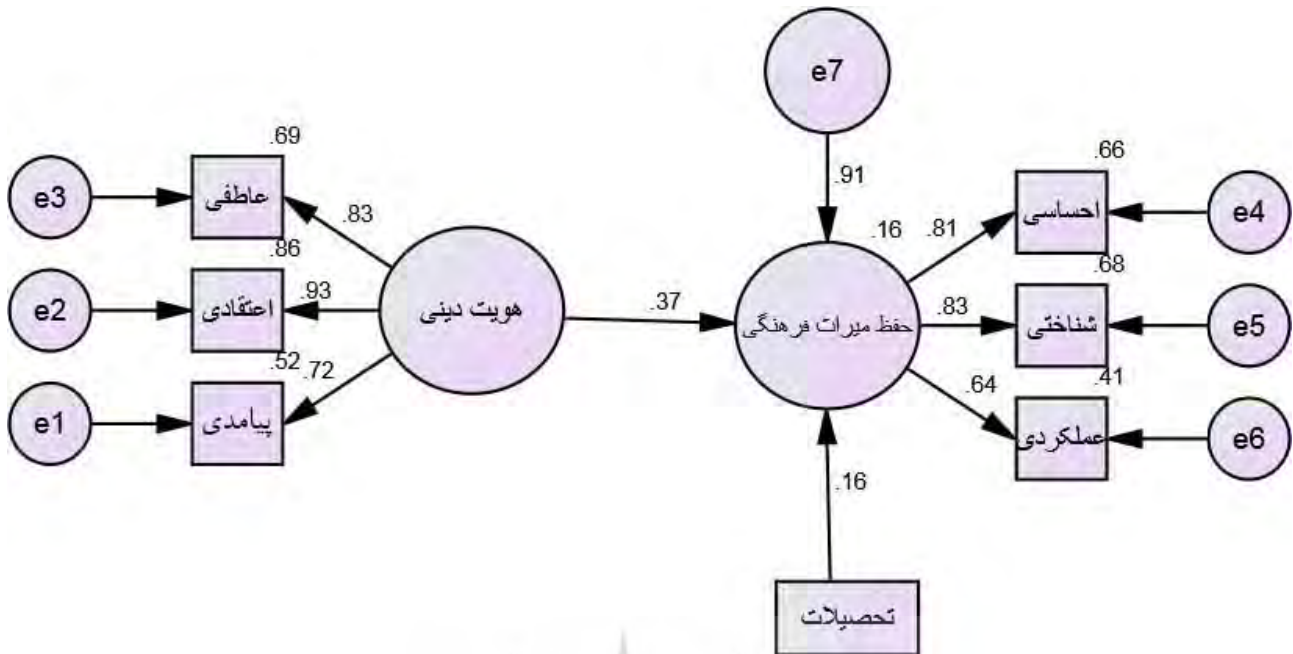
رابطه جنس و حفظ میراث فرهنگی $10/1-$ است. اما سطح معنی‌داری $0/116$ است و معنی‌دار نیست. زنان در این مطالعه کد ۲ و مردان کد یک دریافت کرده‌اند هر چند نمره حفظ



نمودار ۱۰- بررسی اثر متغیر تأهل بر متغیر حفظ میراث فرهنگی و ابعاد آن

گفت رابطه معنی‌داری بین وضعیت تأهل و حفظ میراث فرهنگی وجود ندارد.

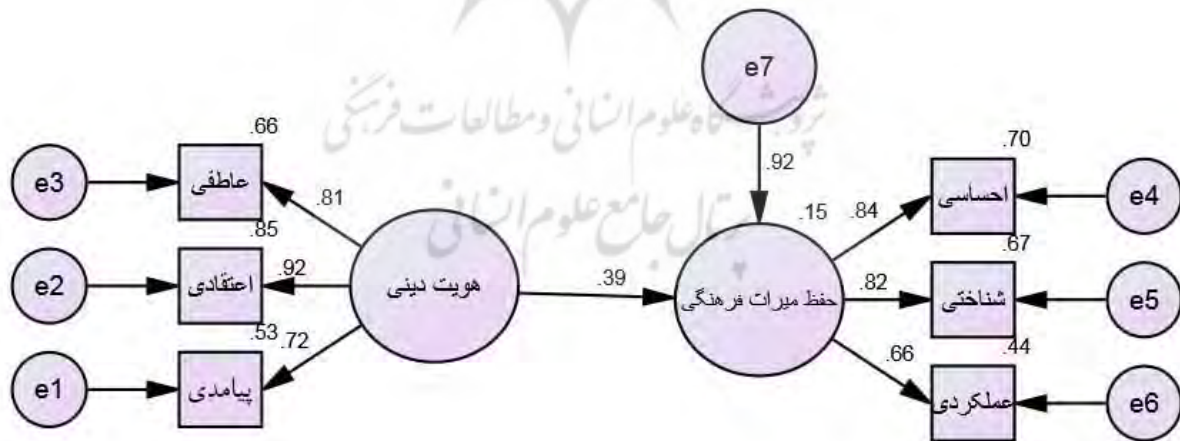
بین تأهل و حفظ میراث فرهنگی رابطه در حد $0/04$ وجود داشته است و این رابطه فقط در سطح $0/567$ معنی‌دار است. با توجه به اینکه این میزان از سطح $0/05$ بزرگتر است می‌توان



نمودار ۱۱ - بررسی اثر متغیر تحصیلات بر متغیر حفظ میراث فرهنگی و ابعاد آن

میراث فرهنگی به طور معنی‌داری افزایش یافته است. بنابراین می‌توان گفت از بین متغیرهای زمینه‌ای در این تحقیق فقط ارتقای سطح تحصیلات بر حفظ میراث تأثیرگذار بوده است.

در مدل فوق رابطه تحصیلات و حفظ میراث فرهنگی اضافه شده است. ضریب استاندارد متغیر تحصیلات و حفظ میراث فرهنگی برابر ۰/۱۶ است و این میزان در سطح ۰/۰۱۳ معنی‌دار است یعنی با افزایش تحصیلات گرایش به حفظ



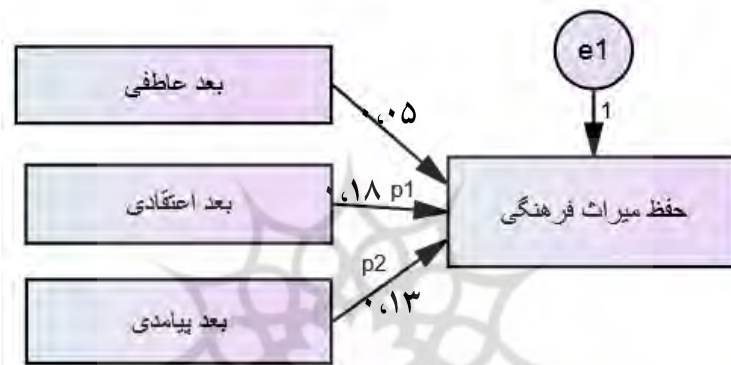
نمودار ۱۲- مدل تبیین حفظ میراث فرهنگی بر اساس متغیر هویت دینی با ضرایب استاندارد

معنی‌داری مشاهده می‌شود و فرض اصلی پژوهش مبنی بر تأثیر هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی تأیید می‌شود.

همان‌گونه که در مدل فوق با ضرایب استاندارد مشاهده می‌شود بین هویت دینی و حفظ میراث فرهنگی ارتباط

است و این میزان در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت متغیر هویت دینی با حفظ میراث فرهنگی رابطه دارد. این متغیر همان گونه که در مدل فوق مشاهده می شود ۰/۱۵ از حفظ میراث فرهنگی را تبیین می کند. میزان خطا که با فرمول $e = \sqrt{1 - R^2}$ محاسبه می شود برابر ۰/۹۲ است. در این فرمول R^2 یا ضریب تعیین برابر ۰/۱۵ است.

هویت دینی دارای سه بعد عاطفی و اعتقادی و پیامدی است و بار عاملی هر کدام از ابعاد سه گانه با متغیر هویت دینی به ترتیب برای بعد عاطفی ۰/۸۱ و برای بعد اعتقادی ۰/۹۲ و بعد پیامدی ۰/۷۲ است. همچنین حفظ میراث فرهنگی دارای سه بعد احساسی و شناختی و عملکردی است و بارهای عاملی این ابعاد با متغیر حفظ میراث فرهنگی به ترتیب برابر ۰/۸۴ و ۰/۸۲ و ۰/۶۶ است. وزن رگرسیونی یا ضریب استاندارد هویت دینی و حفظ میراث فرهنگی برابر ۰/۳۹



نمودار ۱۳- مدل تبیین تأثیر ابعاد سه گانه هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی

معنادار بوده و بعد عاطفی معنادار نبوده است. بعد اعتقادی هویت دینی بیشترین تبیین کننده حفظ میراث فرهنگی با میزان ۰/۱۸ و بعد پیامدی به میزان ۰/۱۳ مؤثر بوده است.

برای تعیین میزان تأثیر ابعاد سه گانه دینداری بر حفظ میراث فرهنگی، ارتباط مستقیم آنها مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد بعد اعتقادی و پیامدی در سطح ۹۵ درصد

جدول ۶- شاخص های برازش مدل حفظ میراث فرهنگی

شاخص	معادل فارسی	میزان در مدل تحقیق	میزان مناسب
Cmin/df	کای اسکوار نسبی	۲/۶۳	۵ مناسب است و بین ۲ الی ۳ بسیار خوب است
CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۸۱	میزان مطلوب ۰/۹
PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	۰/۵۲۳	مقدار مطلوب ۰/۵ است
RMSE	ریشه دوم مربعات خطای بر آورد	۰/۰۷۹	هرچه به صفر نزدیک شود مناسب است
HOELTER	شاخص هلتر	۱۹۴ برای خطای ۰/۰۵ و خطای ۰/۰۱ برابر ۲۵۱	مقدار ۲۰۰ را به عنوان حداقل قابل قبول پیشنهاد کرده اند. کمتر از ۷۵ نشانه برازش ضعیف مدل است.

همچنان قابل توجه است. اما متغیر هویت دینی نیز توانسته بخشی از این واریانس را به طور معنی داری تبیین نماید.

با توجه به شاخص های برازش مدل می توان گفت به طور نسبی مدل، برازش قابل قبولی دارد. گرچه میزان واریانس تبیین نشده حفظ میراث فرهنگی که در مدل برابر ۰/۹۲ است

بحث و تفسیر یافته‌ها

هویت و به‌ویژه هویت دینی نقش برجسته‌ای در تکوین نگرش‌ها، گرایش‌ها و معنابخشی به رفتارهای اجتماعی دارد. آثار به جا مانده از گذشتگان نیز یکی از عناصر محوری در ایجاد و تداوم حس تعلق به هویت دینی و ملی هر جامعه است. این آثار منابع بدون جایگزینی هستند که می‌توانند جوانان را در مقابل تهاجم ارزش‌های جهانی شدن، از بی‌هویتی و گسست فرهنگی و دین‌گریزی حفظ نمایند و با ایجاد پیوند بین نسلی به حیات اجتماعی آنان جهت دهند. با توجه به نقش دین در شکل دادن ارزش‌ها و معناداری به رفتارهای اجتماعی و نیاز به باز تعریف و باز تفسیر آن از زندگی در عصر حاضر اهمیت مطالعه در این باب دو چندان می‌شود.

تحقیق حاضر در صدد بررسی تأثیر هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی در بین جوانان شهر اصفهان بوده و اینکه در صورت وجود اثر از چه راه‌هایی می‌توان با تقویت هویت دینی گرایش به حفظ میراث فرهنگی را در بین اقشار مختلف به‌ویژه جوانان ارتقا داد. علی‌رغم مراجعه به پژوهش‌ها و منابع متعدد، اثری که مستقیماً با موضوع مورد مطالعه مرتبط باشد، ملاحظه نشد؛ بنابراین نوشته حاضر می‌تواند راهگشای پرسش‌ها و تحقیقات بعدی باشد.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که هویت دینی جوانان در سه بعد عاطفی، اعتقادی و پیامدی بر ابعاد شناختی، احساسی و عملکردی حفظ میراث فرهنگی تأثیر معناداری دارد. بر اساس نتایج ضریب تعیین هر سه بعد احساسی (۰/۱۴)، شناختی (۰/۰۹) و عملکردی - حمایتی (۰/۰۴) متغیر هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ یعنی پاسخگویان نسبت به حفظ آثار باستانی احساس مثبت داشته تا حدی این آثار را می‌شناسند و در عمل نیز به حمایت و نگهداری از این آثار علاقه‌مندند. بر این اساس فرضیه‌های تحقیق (مبنی بر اثر هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی در کل) پذیرفته می‌شود. باید در نظر داشت که این تأثیر از نظر احساسی قوی‌تر از دو بعد دیگر بوده است. بر این مبنا ضروری است علاوه بر نهادهای دینی، خانواده، رسانه، نهادهای دولتی و انجمن‌های مردمی در جهت شناخت، آگاهی

بخشی و حمایت از میراث فرهنگی سرمایه‌گذاری کنند.

رتبه‌بندی ابعاد سه گانه به ترتیب بعد اعتقادی (۴/۱۲)، بعد عاطفی (۳/۴۳) و بعد پیامدی (۲/۶۱) گزارش شده که بیانگر آن است که بیشترین میزان دینداری جوانان در حوزه اعتقادی بوده و کمترین بعد اختصاص به بعد پیامدی داشته و این یافته‌ها معرف ضرورت توجه بیشتر برنامه‌ریزان دینی و فرهنگی به زمینه‌های ارتقاء بعد پیامدی دینداری جوانان می‌باشد.

رتبه‌بندی ابعاد سه گانه حفظ میراث فرهنگی به ترتیب بعد احساسی (۴/۱۱)، بعد شناختی (۲/۶۳) و بعد عملکردی (۲/۳۶) محاسبه شده است که بازگو کننده آن است که بعد احساسی حفظ میراث فرهنگی جوانان در رتبه اول، از میزان بالایی برخوردار بوده و لیکن دو بعد شناختی و عملکردی در مراتب دوم و سوم قرار گرفته‌اند که البته ضعیف بودن آنها نشان از ضرورت توجه بیشتر برنامه‌ریزان فرهنگی به زمینه‌های ارتقاء دو بعد شناختی و عملکردی حفظ میراث فرهنگی جوانان است.

در ارتباط با متغیر هویت دینی به ترتیب بار عاملی بعد پیامدی هویت دینی پایین‌تر (۰/۷۲) و بار عاملی ابعاد عاطفی (۰/۸۱) و اعتقادی (۰/۹۲) بزرگتر است. اگر چه در تحقیق حاضر رفتارهای مذهبی فردی و جمعی به تفکیک مورد بررسی قرار نگرفته اما در ارتباط با نتایج پژوهش‌های پیمایش ملی طالبان (۱۳۸۹) و فرجی (۱۳۸۸) درباره روند نزولی مناسک جمعی همخوانی دارد.

در مجموع نتایج بررسی حاضر بیانگر تأثیر مستقیم و معنادار هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی است. به این معنا که با افزایش هویت دینی و ابعاد آن تمایل به حفظ میراث فرهنگی نیز افزایش می‌یابد. به بیان دیگر افراد مذهبی پتانسیل بیشتری برای مشارکت و همکاری با نهادهای دینی - فرهنگی دولتی و غیردولتی در جهت حفظ آثار باستانی دارند. با توجه به نقش و تجربه رهبران دینی در برانگیختن احساسات، ایجاد شناخت و جذب عامه مردم در انجمن‌های مذهبی، بهره‌گیری از هویت دینی در جهت باززنده سازی شهری و حفظ آثار باستانی به منزله بهترین شیوه و اقتصادی‌ترین روش برای

طول سال با عامه مردم در ارتباط هستند، می‌توانند در سخنرانی‌های خود به معرفی آثار باستانی، کارکردها، علل و راه‌های حفظ این آثار اشاره نموده و احساس مسئولیت نسبت به این آثار را در مردم برانگیزند. از طرف دیگر بر پیوستگی این آثار با مذهب و فرهنگ ملی جامعه تأکید نمایند تا از این طریق نگرش آنان نسبت به میراث ارزشمند تاریخی کشور را اصلاح نمایند.

۲- ایجاد پیوند میان میراث گذشته و زندگی امروز از طریق تعریف کاربری‌های جدید و ایجاد زمینه برای حضور جوانان در این مکان‌ها.

۳- توجه بازدیدکنندگان آثار تاریخی و اعضای انجمن‌های داوطلبانه درباره کارکردهای آثار تاریخی در جذب گردشگران و زمینه‌سازی توسعه اقتصادی

ب- ارتقای حفظ میراث فرهنگی در بعد احساسی

۱- برگزاری جشن‌ها، اعیاد و مراسم مذهبی در بناهای تاریخی مختلف اعم از مساجد، کاخ‌ها، کاروانسراها، میدان، تکایا.

۲- زمینه‌سازی و جذب عموم مردم به بناهای تاریخی؛ برای مثال، دعوت از امام جماعت مساجد و مامومین برای بازدید از بناهای تاریخی به صورت رایگان.

۳- برانگیختن علاقه مردم نسبت به حفظ آثار باستانی از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های مذهبی

ج- ارتقای حفظ میراث فرهنگی در بعد عملکردی و حمایتی

۱- سرمایه‌گذاری سازمان‌های مسئول و استفاده از راهکارهای عملی برای درگیر ساختن جوانان به حفاظت از آثار باستانی از طریق سازمان‌های دولتی و انجمن‌های داوطلبانه

۲- هدایت انجمن‌های مذهبی رسمی (بسیج مساجد) و غیررسمی (هیأت‌های مذهبی) به مشارکت در حفظ آثار تاریخی

منابع

آورزمانی، ف. (۱۳۷۸). «نگاهی نو بر نقش برجسته‌ای کهن»،

تقویت تعلق دینی و ملی است. شناخت میزان تأثیر هویت دینی بر حفظ میراث راه را برای تقویت، توسعه و به روز رسانی کارکردهای دین در جامعه می‌گشاید؛ به ویژه در جامعه امروز که به اعتقاد برخی از پژوهشگران (ایمان‌پور، ۱۳۸۱) به علت تعدد منابع تفسیری دنیای مدرن، میزان هویت دینی جوانان کمتر شده است و جوانان درباره کارایی دین در عرصه‌های عمومی در حال داوری هستند. به بیان دیگر درک عمیق پیوستگی مذهب با میراث نهفته در آثار تاریخی ما را قادر می‌سازد که میراث فرهنگی را در حیطه فکری جدیدی بازشناسیم. از این چشم‌انداز میراث فرهنگی منشأ تولید هویت، قدرت و مسئولیت اجتماعی می‌گردد. از طرف دیگر سازمان‌های فرهنگی با همکاری رهبران دینی از طریق آموزش و ترغیب مخاطبان به شناخت و معرفی آثار تاریخی به گردشگران می‌توانند زمینه حراست از ارزش‌ها و انتقال آن در قالب گفتگوی فرهنگی با گردشگران خارجی را فراهم نمایند. با توجه به این که اکثر رفتارهای افراد دلایل معرفتی و مذهبی دارد، هویت دینی می‌تواند اشکال مختلف سازمان‌های اجتماعی از جمله میراث فرهنگی را معنادار نموده و به روابط اجتماعی جهت دهد؛ به شرط آن که برنامه‌ریزان اجتماعی - فرهنگی نیز این رفتارها را از طریق آموزش خانواده، نهادهای آموزشی و رسانه‌ها تقویت نمایند.

راهکارهای پیشنهادی

اگرچه فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر تأثیر هویت دینی بر حفاظت از میراث فرهنگی تأیید شده است و متغیر هویت دینی ۰/۱۵ از تغییر در حفاظت از میراث فرهنگی را تبیین کرده است اما میزان واریانس تبیین نشده حفظ میراث فرهنگی که در مدل برابر ۰/۹۲ است و احتمالاً به نقش خانواده، نهادهای آموزشی، تبلیغات، رسانه‌های گروهی و سایر عوامل مربوط می‌شود، همچنان قابل توجه است. در این راستا پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان اجتماعی و فرهنگی در زمینه‌های زیر اقدام نمایند:

الف- ارتقای حفظ میراث فرهنگی در بعد شناختی

۱- با توجه به این که علمای مذهبی در مراسم مختلف در

- نمایه پژوهش، سال سوم، شماره نهم و دهم، ص ۵۵-۴۷.
- بهشتی، م. (۱۳۷۸). «آشنایی با پژوهشگاه میراث فرهنگی»، نمایه پژوهش، سال سوم، شماره نهم و دهم، ص ۱۳۵-۱۳۷.
- ایمان، م. و سروش، م. (۱۳۸۱). «بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت دینی جوانان در شیراز»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، ش ۲(۱۱)، ص ۳۹-۶۸.
- تاجیک، م.ر. (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران: فرهنگ گفتمان.
- حبیبی، م. و مقصودی، م. (۱۳۸۱). *مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع نامه‌های جهانی*، روش‌ها و اقدامات شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سفیری، خ. و غفوری، م. (۱۳۸۸). «بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده»، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، ش ۱، ص ۱-۲۸.
- شارون، ج. (۱۳۸۸). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- شفرز، ب. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه: کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- طالبان، م.ر. و رفیعی بهابادی، م. (۱۳۸۹). «تحولات دینداری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۵-۱۳۸۸)»، *مجله مسائل اجتماعی ایران*، ش ۱-۲، ص ۸۵-۱۱۴.
- عباسی، و. (۱۳۸۲). «بررسی اندیشه‌های بزرگان جامعه‌شناسی دین»، *معرفت*، ش ۷۲، ص ۴۸-۶۲.
- عبداللهی، م. (۱۳۷۴). «هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران»، *نامه جامعه‌شناسی ایران*، ش ۱، ص ۶۳-۸۶.
- فرجی، م. و کاظمی، ع. (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت دینداری در ایران با تأکید بر پیمایش‌های سه دهه گذشته»،
- تحقیقات فرهنگی ایران، ش ۲ (۲)، ص ۷۹-۹۵.
- کامروا، م. (۱۳۸۸). *شهرسازی معاصر ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گنجی، م، نعمت‌اللهی ز. و طاهری، ز. (۱۳۸۹). «رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم شهر کاشان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۰، ص ۱۲۳-۱۴۴.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هفدهم.
- _____ (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لاله، ه. (۱۳۷۸). «باستان‌شناسی دوران معاصر ایران»، *نمایه پژوهش*، سال سوم، شماره نهم و دهم، ص ۱۷-۲۷.
- معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فن‌آوری اطلاعات. (۱۳۸۸). *آمارنامه شهر اصفهان ۱۳۸۷*، اصفهان: شهرداری اصفهان.
- مهدیزاده، ج. (۱۳۸۴). «جایگاه میراث فرهنگی در توسعه پایدار شهری»، *جستارهای شهرسازی*، ش ۴(۱)، ص ۱۴-۲۵.
- منتظر القائم، م. (۱۳۷۷). «رسانه‌های جمعی و هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، ش ۴، ص ۴۵-۷۶.
- Lee, S.L. (1996) Urban Conservation Policy and the Preservation of Historical and Cultural Heritage: The Case of Singapore. *Cities*, No. 13(6), P 399-409.
- Peek, L. (2005) Becoming Muslim: The Development of a Religious Identity. *Sociology of Religion*, No. 66(3), P 215-242.
- Picard, M. & Wood, R.E. (1997) *Tourism, Ethnicity, and the State in Asian and Pacific Societies*. University of Hawaii Press.
- Sax, J.L. (1990) Heritage Preservation as A Public Duty: the Abbé Grégoire and the Origins of an Idea. *Michigan Law Review*, No. 88, P 1142-1169.
- Uriely, N. Israeli, A. & Reichel, A. (2003) Religious Identity And Residents Attitudes Toward Heritage Tourism Development: The Case of Nazareth. *Journal of Hospitality & Tourism Research*, No. 27(1), P 69-84.